

عوامل مؤثر بر تحولات معماری اوایل قاجار منطقه‌ی آذربایجان در بازخوانی فرایند شکل‌گیری مدرنیته در معماری ایران

محمدحسن خادم‌زاده^۱، محمد شیخی ایلاتلو^۲

^۱استادیار گروه معماری، دانشکده معماری، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

^۲کارشناس ارشد مطالعات معماری ایران، گروه معماری، دانشکده معماری، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۸/۲۹، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۱۲/۰۷)

چکیده

پژوهش حاضر با نگاهی انتقادی بر روایت‌های موجود از نحوه شکل‌گیری مدرنیته در معماری ایران، در تلاش است تا روایتی نو از طریق شناخت مؤلفه‌های مؤثر و تبیین نحوه تأثیر آنها بر این فرایند ارائه دهد. با توجه به یافته‌های اولیه به‌عنوان فرضیه تحقیق، می‌توان تحولات صورت‌گرفته در معماری آذربایجان در اوایل قاجار (قرن ۱۹ م.) را هم‌راستا با فرایند شکل‌گیری مدرنیته در معماری ایران دانست. لذا سؤال کلیدی پژوهش این است که تا چه میزان می‌توان آغاز ورود مفاهیم مدرن به معماری ایران را ناشی از درک نیاز به آن، توسط سران و سیاستمداران روشنفکر در آذربایجان دانست؟ این تحقیق به روش تفسیری-تاریخی با استناد به منابع دست‌اول، داده‌های جمع‌آوری‌شده را در سه مرحله (آگاهی یافتن از معماری نوین دنیا بخصوص جهان غرب، احساس نیاز به آن و اقدام مشابه) مورد تحلیل قرار داده تا به مرحله‌ی اشباع نظری متکی بر داده‌ها برسد. بر طبق این بررسی و تحلیل‌ها، عوامل زمینه‌ای (جنگ با روسیه و موقعیت ژئوپلیتیکی آذربایجان) و افراد تأثیرگذار (عباس میرزا، روشنفکران ایرانی اوایل قاجار، مشاوران خارجی و حتی فتحعلی‌شاه) در شکل‌گیری فرایند مدرنیته در معماری آذربایجان نقش اصلی را عهده‌دار بوده‌اند. پیامد این فرایند در دو بخش کلی اصلاح نواقص کاربری‌های موجود و ایجاد بناها با کاربری‌های جدید مورد نیاز در آذربایجان، بررسی و معرفی شده‌اند.

واژه‌های کلیدی

مدرنیته، معماری ایران، اوایل قاجار، معماری آذربایجان، روشنفکران ایرانی.

مقدمه

عباس میرزا (ولیعهد فتحعلی شاه) که در اینجا حضور داشت، از تمامی فرستادگان کشورهای غربی، درباره‌ی آخرین وضعیت نظامی، سیاسی و علمی آنها می‌پرسید (ژوبر، ۱۳۴۷، ۱۳۶) و مدام افراد آگاه و با استعداد را به کشورهای غربی و حتی روسیه و عثمانی می‌فرستاد تا علاوه بر یادگیری زبان و آموزش در حوزه تخصصی هر فرد، از پیشرفت‌های آن‌ها نیز گزارش دهند (کریمیان، ۱۳۸۵، ۷۴). همین امر باعث شده تا برخی معتقد باشند که طراحی اولیه‌ی گذر از حکومت سنتی قاجار به یک حکومت مدرن و متمرکز، در آذربایجان ریخته شد (طباطبایی، ۱۳۸۶، ۲۰۵)، که جز با جنگی تمام‌عیار علیه «بساط کهن» موجود در پایتخت و سایر نقاط ایران و "درافکندن طرحی نو" ممکن نمی‌شد (همان، ۲۰۶).

داده‌های اولیه از منابع موجود حاکی از این است که معماری شمال غرب ایران نیز در ابتدای قرن ۱۹ و تحت تأثیر عوامل مختلفی، گام‌به‌گام با این طرح نو و طی چند مرحله، شاهد اصلاحات اساسی بوده است. لذا این مقاله در پی پاسخ به این سؤال است که تا چه میزان می‌توان آغاز ورود مفاهیم مدرن به معماری ایران را ناشی از درک نیاز به آن، توسط سران و سیاستمداران روشنفکر در آذربایجان دانست؟ برای نیل به این منظور که عبارت است از شناخت و بررسی عوامل تأثیرگذار بر فرایند شکل‌گیری مدرنیزاسیون در معماری ایران در آن زمان، تا حد ممکن منابع دست‌اول ایرانی (سفرنامه‌ها و وقایع‌نامه‌ها) و اروپایی (سفرنامه‌ها) بررسی شده است. همچنین از تحلیل داده‌ها، نقشه‌ها و اطلاعات تصویری موجود در منابع دست‌دوم که جنبه تکمیلی کار را دارند تلاش می‌شود تا به درک نسبتاً جامعی از این فرایند دست یابد. پس از شناخت این عوامل و در گام بعد، شاخصه‌های معماری در بناهای ساخته‌شده به شیوه نوین را مورد بررسی قرار داده و در نهایت می‌کوشد تا دریافتی جدید از فرایند مدرنیزاسیون معماری در آذربایجان به‌عنوان پیش‌قراول مدرنیته در معماری ایران را ارائه دهد.

مسئله سنت و مدرنیته، در دهه‌های اخیر یکی از مهم‌ترین چالش‌های تاریخ‌نگاران معماری معاصر در بیشتر در جوامع غربی و غیرغربی بوده است. اکثر متخصصان این حوزه، ورود مدرنیته به معماری و شهرسازی ایران را، مربوط به اواخر قرن ۱۹ و در تهران می‌دانند (کیانی، ۱۳۹۳، ۱۵۳)، (باور، ۱۳۸۹، ۳۹). که متأثر از سفرهای ناصرالدین شاه قاجار به غرب است (قبادیان، ۱۳۸۳، ۴۷). اقداماتی نظیر گسترش محدوده شهر تهران، خیابان‌کشی‌های جدید، تدریس معماری نوین در مدارس ایران و ساخت بناها و المان‌های شهری الهام گرفته از غرب، در این زمان از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های مدرنیته در معماری بشمار می‌آیند (ریاضی، ۱۳۸۹، ۱۲۹؛ عاملی، ۱۳۹۲، ۷۵). تمرکز بیش‌ازحد بر فراوانی تغییرات رخ داده در دوره‌ی ناصری بخصوص در اواخر آن در پایتخت باعث می‌شود تا ورود مدرنیته به معماری ایران، مستقیم، کپی‌برداری شده (به‌صورت ناقص)، بنا به خواست و هوس پادشاه و تلاشی عجولانه به‌شمار آید (صارمی، ۱۳۷۴، ۶۰). اما ارتباطات ایران و غرب به پیش‌ازاین زمان و به نقاط دیگر ایران برمی‌گردد. اولین رویارویی ایرانیان با پیشرفت‌های غرب، در دوران صفویه با حضور مستشاران نظامی و در ادامه، افشاریه و زندیه بود (حبیبی، ۱۳۷۳، ۱۳۹-۱۴۰). اما پس از شکست‌های سنگین ایران در جنگ با روسیه تزاری در اوایل قرن ۱۹، این مواجهه بسیار عمیق‌تر و گسترده‌تر شده، و موجب شگفتی از پیشرفت‌های غرب و تأمل و تفکر درباره علل فاصله‌گیری ایرانیان از توسعه و ترقی شد (حقیر و کامل‌نیا، ۱۳۹۹، ۶۹). پیشرفت اروپاییان در نگاه ایرانیان آن روزگار آن‌چنان بزرگ می‌نمود که آگاهی از آن و بیان آنها به بنیادی‌ترین مسئله آنان بدل شد (کسرائی، ۱۳۷۹، ۳۱۱). درواقع نخستین تلاش‌های مدرن شدن در ایران عصر قاجار با خودآگاهی و تلاش ترقی‌خواهانه در جهت رفع عقب‌ماندگی ایران و نیز ضرورت تاریخی انجام اصلاحات نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در ایران پیوند خورد (همان، ۵، ۳۱۵). از آنجا که یکی از دروازه‌های بسیار مهم ارتباط ایران با غرب و خط مقدم جنگ‌های ایران و روس، آذربایجان، و تبریز ولیعهدنشین ایران بود،

روش پژوهش

این پژوهش به‌صورت کیفی و با روش تفسیری-تاریخی و با رویکردی فرایندمحور انجام شده است. اگر تغییرات رخ داده در معماری و شهرسازی اوایل قاجار در آذربایجان یک فرایند در نظر گرفته شود، این تحقیق درصدد درک کل فرایند و اجزای شکل‌دهنده آن است. لذا به‌منظور طبقه‌بندی مفاهیم، ابتدا داده‌های به‌دست‌آمده از منابع دست‌اول، شامل دست‌خط‌ها، شرح وقایع دربار قاجار، سفرنامه‌ها، نقشه‌های تاریخی بناهای مهم دفاعی و شهری، عوامل زمینه‌ای، افراد و حوادث تأثیرگذار بر این فرایند بررسی شدند. در قسمت تجزیه و تحلیل، اجزای داخلی فرایند مدرن شدن معماری آذربایجان در سه مرحله (آگاهی‌یافتن از معماری نوین غرب و همسایگان، احساس نیاز به تغییر و تحول و در نهایت تلاش برای اقدام مشابه در جهت ایجاد فضاهای معماری و شهری) معرفی شده و در نهایت پیامدهای این فرایند در محدوده زمانی و مکانی تحقیق، مورد مذاقه قرار گرفته است. به دلیل وسعت، اهمیت سیاسی-اجتماعی و اقتصادی جنگ‌های ایران و روسیه، سال ۱۸۰۴ میلادی مطابق با

۱۱۸۳ شمسی که سال آغاز این جنگ‌ها است را مبنای شروع بازه زمانی تحقیق و با توجه به تأثیر زیاد شخص عباس‌میرزا^۱ در تغییر و تحولات معماری و شهری آذربایجان و همچنین احتمال انتقال فرایند مدرنیزاسیون از معماری آذربایجان به تهران، توسط خود عباس‌میرزا و فرزند وی محمدشاه و سپس ناصرالدین شاه، و سایر روشنفکران و مشاوران و مهندسان دربار او، تاریخ وفات ولیعهد قاجار در سال ۱۸۳۳ میلادی (۱۲۱۲ هجری شمسی) به‌عنوان خاتمه این بازه زمانی در نظر گرفته شده است. قلمرو مکانی تحقیق نیز به آذربایجان کنونی در ایران (استان‌های آذربایجان شرقی و غربی و اردبیل) و چند شهر مرزی در شمال رود ارس (لنکران، ارکوان، نخجوان و ایراوان) که طی عهدنامه ترکمنچای از ایران جدا شدند، محدود شده است. در نمودار زیر اتفاقات مهم این بازه زمانی که در روند شکل‌گیری مدرنیته تأثیر داشته‌اند نمایش داده شده است.

پیشینه پژوهشی

بسیاری از پژوهشگران، مدرنیته را فرایندی مستقیم از بالا به پایین

خود و توصیف اتوپیایی از معماری غرب جستجو می‌کنند. این پژوهش‌ها به منطقه‌ی آذربایجان در اوایل دوره قاجار توجهی جدی نکرده و تنها بر منابع مکتوب و سفرنامه‌ها تمرکز داشته و سایر عوامل زمینه‌ای و افراد تأثیرگذار را بررسی ننموده‌اند.

سعید حقیر و حامد کامل‌نیا (۱۳۹۹) در کتاب *نظریه مدرنیته در معماری ایران* و امیر بانی‌مسعود (۱۳۸۸) در کتاب *معماری معاصر ایران* به‌طور خلاصه و نه‌چندان عمیق به اصلاحات اوایل قرن نوزده در آذربایجان توجه کرده‌اند. اسکندر مختاری (۱۳۹۰)، محسن حبیبی و زهرا اهری (۱۳۸۷) و رامین جهاننگلو (۱۳۷۴) نیز به احتمال تأثیر اصلاحات رخ داده در آذربایجان اوایل قاجار، در فرایند مدرنیزاسیون معماری در ایران، اشاره دارند. علاوه بر این، سجاد حسینی و محمدباقر کبیرصابر (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان «جنگ‌های ایران و روس و نفوذ معماری دفاعی اروپایی در ایران» به نقش نظامیان اروپایی از طریق قلعه سازی در مرز روسیه و ایران، به شکل‌گیری جریان جدیدی در معماری نظامی ایران پرداخته‌اند. پژوهش‌های ذکرشده علیرغم اینکه تنها اشاره‌ای گذرا به تغییرات رخ داده در معماری آذربایجان دارند، اما بر نیاز و ضرورت پرداختن دقیق‌تر و عمیق‌تر به موضوع معماری مدرن در آذربایجان در اوایل دوره‌ی قاجار توجه می‌دهند. چراکه تکثر و تعمق روایت‌های گوناگون فرایند مدرنیزاسیون منجر به برداشت‌هایی واقعی‌تر از مواضع محققین نسبت به این تغییرات بوده و راهی جهت پرهیز از ساده‌انگاری‌های تاریخی و البته تبعات فرهنگی و اجتماعی آن خواهد بود. چراکه، اغلب روایت‌های سنت‌گرا و خواهان بازگشت به اصل معماری ایران، تمرکز نقد خود را بر روایت خودباختگی و غرب‌زدگی دربار ناصری گذاشته، و به تبع این ساده‌سازی موضوع، دریافتی ساده‌انگارانه نیز در برابر آن قرار می‌دهند.

این پژوهش، به موازات مطالعات پسااستعماری که سعی در برگرداندن عاملیت به فرهنگ‌های غیرغربی در جهان مدرن دارد، سعی در تقویت این نگاه دارد که جامعه ایران در مواجهه خود با جهان مدرن، نقشی فعال و درونی جهت هضم و همراهی با جهان نوخاسته داشته است.

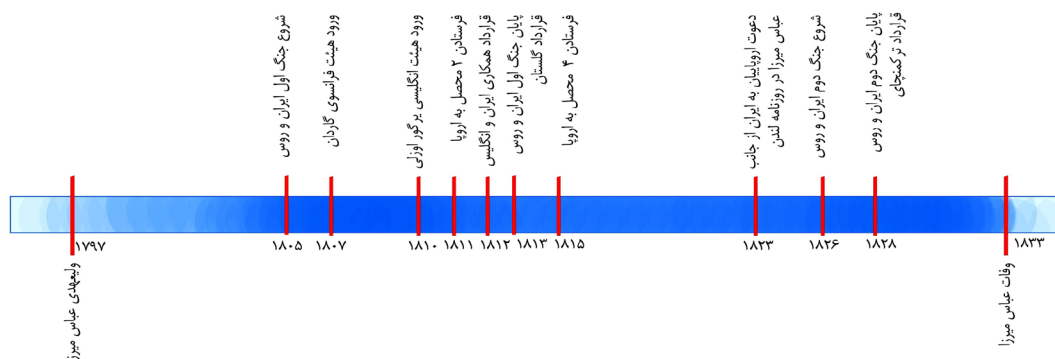
مبانی نظری پژوهش

۱- منابع اصلی

برداشت‌ها و دریافته‌های ایرانیان از مدرنیته در معماری و شهرسازی اوایل قاجار، در قالب‌های مختلفی شرح داده شده‌اند. بخشی، انتقاد از وضعیت معماری شهرهای خود و بخشی دیگر شامل توصیف معماری

و مبدأ شکل‌گیری آن را اروپا می‌دانند که جوامع سنتی دیگر، خواه یا ناخواه مجبور به پذیرش آن بدون هیچ کم‌وکاستی هستند. ریشه‌ی این دیدگاه‌ها را می‌توان در آثار افرادی همچون مارکس و انگلس^۳ (۱۹۷۲)، وبر^۴ (۲۰۰۴) و دورکیم^۵ (۱۹۷۳) ردیابی کرد. اما در سوی مقابل پژوهشگرانی نیز هستند که مفاهیم کلاسیک فرایند مدرنیزاسیون و غرب‌گرایی را زیر سؤال می‌برند. این افراد معتقدند که تجربه مدرنیته در جوامع غیرغربی، یک تجربه منحصربه‌فرد و متفاوت از غرب است. «شرق‌شناسی» ادوارد سعید^۶ (۱۹۷۸)، «مدرنیته هیبریدی» بهابها^۷ (۱۹۹۴)، «آلترناتیو مدرنیته‌ی» کومار^۸ (۱۹۹۷) و «مدرنیته چندگانه» آیزنشتات^۹ (۲۰۰۰) از جمله مهم‌ترین آثار این نظریه‌پردازان در این موضوع می‌باشند. پژوهشگران ایرانی تاریخ معاصر معماری نیز تحت تأثیر یکی از این دو دیدگاه قرار دارند.

افرادی چون آرتور پوپ (۱۳۸۲)، آندره گدار (۱۳۷۷) و کریم پیرنیا (۱۳۸۹) جزء اولین افرادی هستند که معماری قبل از دوره قاجار را ارزشمند و معماری واسط قاجار به بعد را فاقد ارزش می‌دانند (پیرنیا، ۱۳۸۹، ۲۷۲). دنبال‌کنندگان نسل اول مورخین هنر و معماری ایران، اصطلاح «معماری کارت‌پستالی» را برای توصیف معماری مدرن اولیه بکار می‌برند. به این معنی که فرایند مدرنیته در معماری ایران را مربوط به اواخر قرن نوزده، انتقالی ناقص و کپی‌برداری مستقیم از غرب تلقی می‌کنند. مصطفی کیانی (۱۳۹۳)، سیروس باور (۱۳۸۹)، محمدجواد مهدوی‌نژاد و همکاران (۱۳۸۹) و قبادیان (۱۳۸۳) از جمله این پژوهشگران‌اند. چنین خوانشی از شکل‌گیری مدرنیته در معماری ایران، با توجه کم‌تر به تغییرات شکل گرفته در دهه‌های ابتدایی قرن نوزده در آذربایجان و احتمالاً برخی مناطق ایران، با پیش‌داوری‌هایی همراه است. دسته‌ی دوم که تا حدود زیادی هم‌راستا با این پژوهش‌اند، در پی تحلیل عوامل تأثیرگذار و ریشه‌شناسی شاخصه‌های معماری مدرن غربی در ایران می‌باشند. وحید وحدت^{۱۰} (۲۰۱۷) در کتاب *درک فضای معماری اروپا در سفرنامه‌های ایرانیان در قرن ۱۹*^{۱۱} ایرانیان را با نگاهی اتوپیایی به معماری غرب، در پی انتقاد از کمبودهای معماری سنتی خویش می‌داند. به اعتقاد وی این برداشت‌های شخصی و نه واقعی از وضعیت معماری و شهرسازی اروپایی، خلأیت‌های فضایی در معماری قاجار را نسبت به سبک‌های قبلی معماری ایرانی افزایش دادند. همچنین دو مقاله‌ی حقیر و صلواتی (۱۳۹۹) و تازیکه لمسکی، قبادیان و سلطان‌زاده (۱۳۹۵)، به تأثیر سفرنامه‌ها و نگاه انتقادی سفرنامه‌نویسان بر آشنایی ایرانیان با معماری مدرن غرب پرداخته‌اند و تغییرات رخ داده در معماری اواخر قرن نوزده را در گزاره‌های انتقادی ایرانیان از معماری



تصویر ۱- تحولات ایران و آذربایجان در بازه زمانی تحقیق.

بنابراین با افزایش تولید و طرح مفاهیم جدید از آزادی‌های اجتماعی، تشکیلات و ترتیبات قدیمی فرومی‌ریختند و در سازمان‌های تولیدی، و ابزارها و عرصه‌های اداری قدیمی، نوآوری‌هایی پدید می‌آمدند.

سفرنامه‌نویسان اروپایی توصیفات و انتقادات زیادی از وضعیت موجود معماری تهران و سایر شهرهای ایران، در اواخر قرن دوازدهم شمسی ارائه کرده‌اند. ژوبر افسر مهندس فرانسوی کوچه‌های تهران را باریک و پرپیچ‌وخم و سنگفرش نشده می‌داند (ژوبر، ۱۳۴۷، ۱۷۴)، گاسپار درویل دیگر فرستاده ناپلئون در یک دید کلی ظاهر شهرهای ایران را شبیه به هم و تشکیل‌شده از خانه‌های نامنظم و ناهماهنگی می‌داند که در ابعاد مختلف و با نماهای بیرونی متفاوت و متضاد با هم، با مصالح خشتی و گلی ساخته شده‌اند (دروویل، ۱۳۶۵، ۷۸). فابویه؛ افسر مهندس توپخانه استحکامات مرزی ایران را «یک عده قلاع بازیچه و کاملاً بیهوده» به‌شمار آورده است و فضاهای بسیار وسیع و ناهموار داخلی آن که با دیوارهای خشتی و بدون بیرون آمدگی و تیزی بودند را بلااستفاده می‌خواند (نفیسی، ۱۳۸۴، ۲۴۹). علاوه بر قلعه‌های نظامی، حصارهای اطراف روستاها و شهرها نیز، فاقد استحکام کافی در برابر حمله‌های دشمن بودند (دروویل، ۱۳۶۵، ۷۹). در این میان آذربایجان و بخصوص تبریز به دلیل ولیعهد نشین بودن و همچنین نزدیکی به روسیه و ارتباط با قسطنطنیه و منطقه قفقاز که دروازه ورود مدرنیسم به آسیا محسوب می‌شد و از مدت‌ها قبل، تجددگرایی در بیشتر امور در آن آغاز شده بود پیش از تهران پایتخت، آمادگی پذیرش عناصر نو را داشت (پیه مونته، ۱۳۶۸، ۳۸۹؛ Porter, 1822, 254). همچنین می‌توان به نقش آذربایجان در موضوع نظامی ایران که پس از جنگ با روسیه حاصل شده بود، اشاره کرد. سفرنامه نویسان اروپایی امنیت و نظم آذربایجان در دوره عباس میرزا را بارها با امنیت غرب مقایسه کرده‌اند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ۵۵۵).

۳- عوامل تأثیرگذار بر معماری و شهرسازی در آذربایجان اوایل قرن ۱۹ میلادی

۳-۱. جنگ و نیاز به فضاهای جدید معماری در آذربایجان

جنگ ایران با روسیه تزاری و شکست‌های سنگین پی‌درپی و از دست‌دادن بخش‌های وسیعی از ایران در شمال غرب، باعث ایجاد جنبش خودآگاهی روشنفکران و سیاسیون ایرانی از ضعف‌های نظامی، اقتصادی و اجتماعی کشور شد. امری که در پاره‌ای موارد راه افراط پیمود و به حس خود تحقیری ملی نزدیک گردید. جنگ با روسیه یکی از مهم‌ترین دلایل آشنایی ایرانیان با پیشرفت‌های غربی شناخته می‌شود (دروویل، ۱۳۶۵، ۱۱). درک از ضعف‌های خود موجب شد تا ولیعهد و سایر روشنفکران سیاسی به الگوبرداری از شیوه‌های نظامی و ساختارهای دفاعی رایج در اروپا روی بیاورند (بنتان، ۱۳۵۴، ۶۹) و (ژوبر، ۱۳۴۷، ۱۳۶). اصلاحات نظامی در این دوره با ایجاد ارتش منظم در آذربایجان آغاز شد (سایکس، ۱۳۷۰، ۴۵۲) و با انتقاد از فنون ساخت بناهای نظامی در ایران، توسط مشاوران و مهندسان نظامی اروپایی اسکان‌یافته در آذربایجان، قدم در بناهای نظامی و زیرساخت‌های دفاعی گذاشت (نفیسی، ۱۳۸۴، ۲۴۹).

ضرورت احداث قلعه‌های مقاوم در برابر آتش توپخانه در مناطق مرزی مستعد جنگ، که متناسب با توپوگرافی منطقه و مشابه قلعه‌های پنج‌ضلعی فرانسوی باشند، اما با مصالح بومی، اولین قدم در این راستا

شهرسازی غربی و پیشرفت‌های آنان است. از سفرنامه‌های اروپاییان که شرایط معماری منطقه آذربایجان را با معماری اروپا مقایسه می‌کنند نیز، گزاره‌های انتقادی بسیاری قابل استخراج هستند. علاوه بر این، می‌توان از سفرنامه‌های بعد از این دوره، گزارشات دربار ولیعهد، منابع دست‌دوم، نقشه‌های شهرها، بناها و بقایای موجود بناهای این دوره، تغییرات حاصل‌شده در معماری و شهرسازی منطقه آذربایجان در اوایل قرن نوزده میلادی را تا حد زیادی تبیین کرد. و داده‌های خام به‌دست‌آمده از بررسی منابع مورد اشاره در بالا را به لحاظ شباهت موضوعی در کنار هم قرار داد.

مهم‌ترین منابع دست‌اول ایرانی، کتاب‌های *مآثر السلطانیة* نوشته عبدالرزاق دنبلی^{۱۲} (۱۳۵۱) و *تاریخ نو*^{۱۳} نوشته جهانگیر میرزا (۱۳۸۴)، پسر عباس میرزا هستند که دربار آذربایجان در اوایل قرن نوزده میلادی را توصیف می‌کنند. از منابع دست‌اول داخلی دیگر در این دوره *سفرنامه میرزا صالح شیرازی*^{۱۴} (شیرازی، ۱۳۶۴)، *سفرنامه خسرو میرزا*^{۱۵} (افشار، ۱۳۴۹)، *سفرنامه «مسیر طالبی»*^{۱۶} (اصفهانی، ۱۳۵۲)، *سفرنامه «تحفه العالم»*^{۱۷} (شوشتری، ۱۳۶۳) و همچنین دو *سفرنامه‌ی میرزا ابوالحسن ایلچی* به نام‌های *دلیل‌السفر* (علوی شیرازی، ۱۳۶۳) و *حیرت‌نامه*^{۱۸} (ایلچی شیرازی، ۱۳۶۴) هستند. با بررسی دقیق‌تر محتویات این سفرنامه‌ها می‌توان دریافت که ایرانیان با برداشت‌های شخصی و با دیدی انتقادی از شهرها و معماری غرب، بازدید کرده بودند.^{۱۹}

تعداد منابع دست‌اول خارجی، بیشتر از منابع ایرانی است. اکثر فرستادگان فرانسوی^{۲۰} تجربیات خود را مکتوب کرده‌اند. از این میان ژوبر^{۲۱} در کتاب *مسافرت به ارمنستان و ایران* (ژوبر، ۱۳۴۷) و همچنین آگوست بنتان^{۲۲} (بنتان، ۱۳۵۴) و گاسپار درویل^{۲۳} (دروویل، ۱۳۶۵) در سفرنامه‌های خود به شرح وضعیت شهرسازی و معماری و اوضاع فرهنگی اجتماعی ایران در دوره فتحعلی‌شاه پرداخته، و از اقدامات نوین ولیعهد در آذربایجان می‌نویسند. همچنین از مهم‌ترین نوشته‌های انگلیسی‌ها^{۲۴} در ایران، می‌توان به *سفرنامه‌ی دوم جیمز موریه* (موریه، ۱۳۸۵) که در مهر و موم‌های ۱۸۱۸ میلادی منتشر شده‌اند، نام برد.^{۲۵} کتاب *مسافرت به ایران در دوره فتحعلی‌شاه قاجار* نوشته فون کوتسبو^{۲۶} (کوتسبو، ۱۳۶۵)، که در سال ۱۸۱۷ همراه سفیر روسیه به ایران آمده بود، حاوی اطلاعات زیادی از وضعیت شهرسازی تفلیس و پیشرفت‌های رخ‌داده پس از سلطه روسیه بر آنجا است و توصیفات از نظام جدید عباس میرزا و ساختارهای شهری قدیمی و جدید ایران در خود دارد.^{۲۷}

۲- آذربایجان در دوران تحول

تغییرات رخ‌داده در آذربایجان اواخر قرن دوازدهم شمسی (مهر و موم‌های ابتدایی قرن نوزدهم میلادی) که آغاز بازه زمانی این پژوهش را تشکیل می‌دهد، خود متأثر از تحولات اواخر قرن هجدهم میلادی در دیگر نقاط دنیاست. انقلاب صنعتی انگلستان و انقلاب اجتماعی فرانسه را می‌توان به‌عنوان بزرگ‌ترین دگرگونی‌های قرن هجدهم نام برد، که اثرات آن تا ایران نیز رسیده بود. جامعه سنتی ایران و به‌تبع آن آذربایجان، فاقد ساختارهای کارآمد سیاسی و اقتصادی و اجتماعی برای رویارویی و هضم وضعیت جدید بود (نفیسی، ۱۳۸۴، ۹۴-۹۵). از آنجایی که مواجهه جهان ایرانی با جهان نو از دریچه‌ی الگوهای نوین اعم از تجارت، آموزش و تولید نبود، الگوهای موجود زندگی در جامعه سنتی هم آمادگی لازم برای مواجهه با این وضعیت را نداشتند.

مدرنیته به ایران اهمیت فراوانی داشت. به‌منظور درک بهتر شرایط و برنامه‌ریزی مناسب که از دستاوردهای مدرنیته در حوزه برنامه‌ریزی و طراحی شهری بود نقشه‌برداری از شهرهای مهم آذربایجان مانند تبریز و حومه، مرند، خوی و اردبیل (مهریار و همکاران، ۱۳۷۸) توسط مهندسین اروپایی نظیر افرادی چون: تره‌زل، سمینو، فابویه، بنتان و پرثو^{۲۸} صورت پذیرفت که با حمایت فتحعلی‌شاه و دستور عباس‌میرزا همراه بود (اتحادیه و میر محمدصادق، ۱۳۷۵، ۵۴-۵۶). همچنین می‌توان در این راستا به مواردی چون، اسکان اروپاییان در آذربایجان (Fowler, 1841, 322)، و دعوت از آنان برای اسکان در آذربایجان و آزادی دین و بخشش مالیاتی برای آنها توسط ولیعهد (نفیسی، ۱۳۸۴)، اسکان مهاجران قفقازی در این منطقه (یونیر، ۱۳۶۸) و به‌کارگیری آنها در صنایع مختلف (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷)، رضایت عمومی ایرانیان جداشده از ایران ساکن در شمال ارس، از تغییر وضعیت شهرهای آن نواحی به‌واسطه حضور روس‌ها (افشار، ۱۳۴۹)، آبادشدن و افزایش امکانات رفاهی در آذربایجان نسبت به سایر مناطق ایران به دلیل حضور ولیعهد در آن (پیه مونت، ۱۳۶۸، ۳۸۹).

تغییرات و اصلاحات رخ داده در معماری و بخصوص معماری داخلی، در مناطق شمالی که از ایران جدا شده بودند، توسط تاجران و مهاجران کشورهای همسایه از طریق ساخت بناها با آن الگوها و سبک‌ها، در آذربایجان تبلیغ می‌شد (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۰، ۶۱) و راه را برای ورود دکوراسیون و مبلمان غربی به بازار آذربایجان (کوتسبیو، ۱۳۶۵) و استفاده از آنها در خانه‌های اشراف منطقه آذربایجان (بورگر، ۱۳۸۰)، (نفیسی، ۱۳۸۴) باز می‌کرد. این موارد انگیزه مضاعفی را برای تغییرات مشابه در آذربایجان در مسئولین و برنامه‌ریزان و حتی مردم ایجاد می‌نمود. از این‌رو می‌توان مدعی شد که از ابتدای دوره قاجار و به‌خصوص بعد از شروع جنگ، آذربایجان تبدیل به یکی از مهم‌ترین دروازه‌های ورود تجدد به ایران شده بود (Porter, 1822, 254؛ نفیسی، ۱۳۸۴).

۳-۳. اصلاحات اجتماعی و بازسازی زیرساخت‌های شهری

با اهمیت یافتن فوق‌العاده تبریز به‌عنوان یک مرکز نظامی نوین در ایران (بنتان، ۱۳۵۴، ۱۰۷)، امنیت ساکنین شهری در این مناطق افزایش یافت (دروویل، ۱۳۶۵). افزایش امنیت شهری و مخالفت عباس میرزا با برخی از سنت‌هایی که مانع از اصلاحات نوین می‌شدند

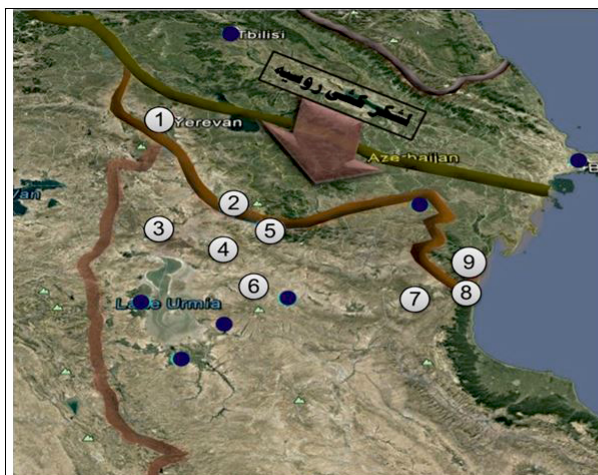
بود. قلعه جدید تبریز، قلعه خوی، کوردشت، عباس‌آباد، اردبیل، آستارا و لنکران که همگی در دهه‌ی اول و دوم قرن نوزدهم ساخته شدند، از این دسته‌اند (دروویل، ۱۳۶۵، ۱۸۷؛ جهانگیرمیرزا، ۱۳۸۴، ۲۶). پاسخگوبودن قلعه‌های ساخته‌شده مبتنی بر نیازهای دفاعی، انگیزه‌ی مضاعفی را در ولیعهد ایجاد کرد که به مهندسین اروپایی و دستیاران آنها دستور طراحی و نظارت بر ساخت بناهای نظامی در سراسر ایالت آذربایجان را صادر کند (مهریار و همکاران، ۱۳۷۸، ۲۴۸-۲۵۰). با توجه به شرایط پیش‌آمده تبریز در این دوره یکی از مهم‌ترین مراکز نظامی ایران شده و بناهای نظامی زیادی در آن متناسب با معماری روز و مدرن ایجاد می‌شود. از بناهای نظامی ساخته‌شده در آن در این دوره می‌توان از سربازخانه، میدان مشق، میدان توپخانه و عمارت توپخانه نام برد (دنبلی، ۱۳۵۱، ۱۳۳). در همین بازه زمانی (۱۸۱۰ تا ۱۸۲۰) دستور ساخت تک بناهای تولید تسلیحات و پشتیبانی نظامی در بیرون شهرهای بزرگ آذربایجان داده شد (گروته، ۱۳۶۹، ۲۸۹). بناهایی نظیر کارگاه اسلحه، توپ‌ریزی و ریخته‌گری در محدوده‌های اطراف تبریز، مرند، مراغه و دریاچه ارومیه که از مهم‌ترین مراکز ساخت کارگاه‌ها و انبار مهمات بودند (Fowler, 1841, 78)، (عمرانی و اسمعیلی، ۱۳۸۵، ۱۲۳). سپس در دهه‌ی سوم قرن نوزده میلادی کارگاه‌های ساخت تجهیزات نظامی مدرن در داخل محدوده شهری تبریز و در اطراف ارگ علیشاه که در این زمان کاربری نظامی پیدا کرده بود، گسترش پیدا کردند (موریه، ۱۳۸۵، ۲۵۰؛ بنتان، ۱۳۵۴، ۹۴).

۳-۲. شرایط ژئوپلیتیکی آذربایجان

اهمیت موقعیت ژئوپلیتیکی آذربایجان از دیدگاه مشاوران ایرانی و اروپایی و همچنین مقایسه‌ی آن با سایر نقاط ایران از لحاظ آمادگی برای پذیرش اصلاحات نوین (دروویل، ۱۳۶۵، ۱۱، ۸۰ و ۳۴۶)، مسئله‌ای است که به‌وفور در منابع مربوط به اوایل دوره قاجار به آن توجه شده است. این موقعیت، با دستور ولیعهد به اروپاییان برای مطالعه ذخایر معدنی کوه‌های اطراف تبریز (مارکام، ۱۳۶۷، ۵۸) و شناخت استعدادهای طبیعی و انسانی موجود در آذربایجان (موریه، ۱۳۸۵، ۲۶۹، ۲۹۱ و ۴۵۳)، رفته‌رفته تقویت می‌شد. علاوه بر مورد فوق اقدامات و تحولات زیر در تثبیت جایگاه آذربایجان به‌عنوان یک نقطه کلیدی در ورود

جدول ۱- جهت لشگرکشی روسیه، مرزبندی‌های جدید و پراکندگی قلعه‌ها (شماره ۱-۹) و سایر مراکز نظامی (نقاط تیره) در آذربایجان.

۱	قلعه ایروان دهه ۱۱۸۰ شمسی
۲	قلعه نخجوان دهه ۱۱۸۰ شمسی
۳	قلعه خوی دهه ۱۱۸۰ شمسی
۴	بناهای نظامی اطراف مرند دهه ۱۱۸۰ شمسی
۵	قلعه عباس‌آباد دهه ۱۱۸۰ شمسی
۶	قلعه و بناهای نظامی تبریز دهه ۱۱۸۰ تا ۹۰ شمسی
۷	قلعه اردبیل دهه ۱۱۸۰ شمسی
۸	قلعه آستارا دهه ۱۱۹۰ شمسی
۹	قلعه ارکوان و قلعه لنکران دهه ۱۱۹۰ شمسی



منبع اولیه تصویر (www.google.com/maps)

استفاده از مبلمان راحتی در داخل ساختمان و دکوراسیون لوکس برخی از این فضاها، می‌پرداختند (شیرازی، ۱۳۶۴؛ افشار، ۱۳۴۹). مشاوران و مهندسان خارجی ساکن ایران نیز ضمن انتقاد از معماری شهرهایی چون تبریز و تهران، از معماری شهرهای اروپایی تمجید می‌نمودند و ایرانیان را به فراگیری اصول ساخت آن‌ها تشویق می‌کردند (نفیسی، ۱۳۸۴، ۶۹۷). انتقاد اروپاییان ساکن در آذربایجان، کیفیت ساخت بناها (موریه، ۱۳۸۵، ۲۴۰)، فنون به‌کاررفته در آنها، نمای ظاهری (بنتان، ۱۳۵۴، ۷۲) و چگونگی مبلمان داخلی خانه‌ها (کوتسیو، ۱۳۶۵)، و وضعیت جاده‌ها و کوچه‌ها در شهرهای ایران (درویل، ۱۳۶۵، ۱۱؛ ژوبر، ۱۳۴۷، ۱۷۴) را شامل می‌شد. برخی از سفرنامه‌نویسان اروپایی نیز به تمجید از اصلاحات شهری در شمال رود ارس که در اختیار روسیه قرار گرفته بود، می‌پرداختند (کوتسیو، ۱۳۶۵، ۳۴؛ گروته، ۱۳۶۹، ۲۹۸). مجموع موارد فوق‌الذکر در آگاهی بخشی و ایجاد انگیزه برای تغییرات مشابه در ایران نقش مهمی داشته و موجب شدند تا زمینه‌های ایجاد و گسترش ورود معماری جدید در آذربایجان روزبه‌روز افزایش یابد.

۳-۵. آموزش مهندسی نوین به ایرانیان

اروپاییان ساکن در آذربایجان، در صنایع و حرف مختلف به‌کار گرفته می‌شدند (بنتان، ۱۳۵۴، ۱۰۳) که از حرفه‌های نظامی تا صناعی همچون نجاری، شیشه‌گری، آهن‌گری و معماری را شامل می‌شد (نفیسی، ۱۳۸۴؛ موریه، ۱۳۸۵، ۴۵۳). از مهم‌ترین فعالیت مشاوران و مهندسان نظامی اروپایی ساکن در ایران، آموزش در زمینه‌های مهندسی، علوم کاربردی (دنلی، ۱۳۵۱، ۱۳۳؛ تاج‌بخش، ۱۳۷۵، ۵۷۲)، هندسه نوین و نقشه‌کشی به شیوه غربی (موریه، ۱۳۸۵، ۳۴۰)، (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۰، ۱۲۳) به افراد با استعداد ایرانی بود. شرکت در کلاس‌های یادگیری رسم فنی و هندسه نوین، حتی شامل حال شخص ولیعهد و فرزندان نیز می‌شد (درویل، ۱۳۶۵، ۱۷۴؛ بورگر، ۱۳۸۰، ۳۰). نتیجه این آموزش‌ها، همکاری ایرانیان با مهندسان غربی در ساخت بناها با الگوهای معماری جدید را در پی داشت (ولایی، ۱۳۴۴، ۹۰؛ ریاحی، ۱۳۷۲، ۳۰۹). و در بسیاری موارد مهندسان معمار ایرانی، هم‌تراز با مهندسان غربی در طراحی پلان‌های ساختمانی به شیوه‌ی جدید شده بودند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ۱۵۷؛ کریمیان، ۱۳۸۵، ۹۴).

۳-۶. طراحی بناهای غیر نظامی توسط مهندسان نظامی غربی

استفاده از الگوهای معماری اروپایی در آذربایجان، از بناهای نظامی و قلعه‌ها آغاز شد (رضا قلی میرزا، ۱۳۶۴، ۳۷) و در ادامه، در راستای گسترش رفاه برای ساکنین داخل محدوده شهرها و یا داخل قلعه‌ها، فضاهای خدماتی لازم و مناسب طراحی و ایجاد شدند (گروته، ۱۳۶۹، ۲۹۸؛ نادر میرزا، ۱۳۶۰، ۶۷). به‌عنوان مثال: در داخل قلعه اردبیل که در کنار شهر قدیمی ساخته شد، علاوه بر حیاط‌ها و خیابان‌های منظم متعدد، فضاهایی همچون میدان‌های مشق، توپخانه، محوطه سواره و پیاده‌نظام، حمام، مسجد، زندان، نانوائی و خانه برای اقشار مختلف ساخته شدند (صفری، ۱۳۷۱، ۱۹۴). در این فرآیند و در رویکرد ترکیب فضاهای سنتی و مدرن، بناهایی با نوآوری در فضاهای داخلی (ادیب‌الممالک، ۱۳۴۹، ۱۵۸) و ترکیب کاربری‌های نظامی با درباری و مسکونی مورد توجه قرار گرفتند (دیولافوا، ۱۳۶۹، ۵۵؛ عمرانی و اسمعیلی، ۱۳۸۵، ۱۷۳). از دیگر اقدامات در این راستا، تهیه طرح

(بورگر، ۱۳۸۰)، موجب بسترسازی آگاهی از فرهنگ و تاریخ غرب و ایجاد انگیزه برای ایجاد تغییرات زیرساختی و اجتماعی مشابه غرب، در آذربایجان شد (یونیر، ۱۳۶۸؛ طباطبایی، ۱۳۸۶). رفع تضاد طبقاتی (لاچینی، ۱۳۲۰، ۴۵) و بالا بردن رفاه عمومی با اصلاح قوانین شهروندی توسط عباس میرزا (کوتسیو، ۱۳۶۵)، و افزایش سطح آگاهی عمومی مردم آذربایجان در تمامی رده‌های اجتماعی (شیرازی، ۱۳۶۴)، (سرمد، ۱۳۷۲، ۵۷)، راه‌اندازی صنعت چاپ و ترجمه (گروته، ۱۳۶۹، ۲۹۸) و رونق آن توسط روشنفکران آذربایجان (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۰)، همچنین دستور ولیعهد به ساخت بناهای عام‌المنفعه و عمومی در تبریز که پیش از آن وجود نداشتند (دنلی، ۱۳۵۱) و (نادر میرزا، ۱۳۶۰) از مهم‌ترین دستاوردها در راستای تغییرات فرهنگی و رویکردهای نوین اجتماعی بودند که تغییرات و تحولات زیادی را در زمینه‌های معماری و شهرسازی با خود به همراه می‌آورد. برخی از این تحولات عبارت‌اند از: بازسازی زیرساخت‌ها و راه‌های ارتباطی شهرهای مهم برای استفاده کالسکه (Fowler, 1841)، (عمرانی و اسمعیلی، ۱۳۸۵). احداث خیابان‌های عریض و مستقیم (درویل، ۱۳۶۵، ۱۱) و یا تعریض خیابان‌های کم‌عرض و پرپیچ‌وخم قدیمی در داخل محلات مسکونی، همچون راسته کوچه در تبریز (جهانگیر میرزا، ۱۳۸۴، ۱۹۱). ساخت شهرهای جدید با اصول اروپایی (بورگر، ۱۳۸۰، ۲۸). طراحی و ساخت محله‌های مسکونی به‌صورت شطرنجی با خیابان‌های منظم همچون شهرهای خوی و عباس‌آباد (مهریار و همکاران، ۱۳۷۸، ۳۷). درختکاری در اطراف خیابان‌های عریض برای استفاده پیاده‌ها (کوتسیو، ۱۳۶۵، ۸۰)، مشابه شهرهای اروپایی. مانند بافت جدید شهر خوی یا خیابان‌های منتهی به کاخ‌های نوساز در تبریز (نادر میرزا، ۱۳۶۰، ۶۷). دستور ولیعهد برای ساخت خانه‌های ردیفی برای کارکنان دولتی در اطراف کاخ ولیعهد و ارگ علی‌شاه تبریز (Fowler, 1841, 77؛ مارکام، ۱۳۶۷، ۵۸). احداث کارخانه‌های تولیدی و صنعتی (ماهوت بافی خوی و ریخته‌گری تبریز) مشابه معماری صنعتی اروپایی (دنلی، ۱۳۵۱، ۱۳۴؛ حائری، ۱۳۸۰، ۲۹۸).

۳-۴. توصیف و تمجید از معماری غربی توسط ایرانیان و انتقاد از معماری سنتی در ایران توسط غربیان

در اوایل دوره قاجار و به‌خصوص پس از ورود دستگاه چاپ به ایران، سفرنامه‌ها به‌عنوان مهم‌ترین رسانه در آگاه شدن ایرانیان از وضعیت خود و اصلاحات اجتماعی و سیاسی رخ داده در غرب برعهده گرفتند. گزارش روشنفکران ایرانی طی بازدید از اروپا در قالب سفرنامه‌ها بیشتر شامل مقایسه فضاهای عمومی، وضعیت راه‌ها و حمل‌ونقل در شهرهای غربی با ایران (شیرازی، ۱۳۶۴)، (افشار، ۱۳۴۹)، و توصیف اصول ساخت‌وساز شهری و اجبار بر رعایت قوانین بلدیه در این نقاط می‌شد (اصفهانی، ۱۳۵۲). اینان فضاهایی با کاربری جدید که هیچ نمونه‌ی مشابه در ایران نداشتند مانند فضاهای خرید لوکس و پاساژهای اروپایی، ادارات، بانک‌ها، ساختمان مجلس و ... را توصیف می‌کردند (افشار، ۱۳۴۹). بخشی از این مطالب نیز در وصف مزایای معماری خانه‌ها در شهرهای اروپایی و تمجید از نمای بیرونی و آراستگی ظاهر آنها با مصالح آجری یا سنگی منظم با پنجره‌های رو به خیابان اختصاص یافته بود (اصفهانی، ۱۳۵۲، ۶۲). همچنین با تحلیل فضای داخلی خانه‌ها، به توصیف واحدهای آپارتمانی مشابه هم در طبقات، تفکیک فضایی به بخش‌های خواب و نشیمن،

توجه به بناهای رفاهی بین‌راهی تهران و تبریز (لاچینی، ۱۳۲۰، ۴۵) در جهت بازسازی این شاهراه مطابق نیازهای جدید (اعتضادالسلطنه، ۱۳۷۰، ۱۵۷)، حمایت مالی شاه برای ساخت بناهای نظامی و غیرنظامی با اصول مهندسی نوین (دروویل، ۱۳۶۵، ۱۸۷؛ دنبلی، ۱۳۵۱، ۱۳۵؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ۵۵۶) از دیگر نشانه‌های علاقه فتحعلی‌شاه به تحول و تغییر و اصلاح در اصول و الگوهای معماری در ایران می‌باشد.

۴- بحث: تجربه معماری مدرن در آذربایجان

در این دوره در آذربایجان، برای ساخت بناها به شیوه جدید، مطالعات و نقشه‌برداری از شهرها و طراحی‌ها برای انواع کاربری‌های مورد نیاز به‌صورت مدرن، در کنار آموزش‌های تخصصی صورت گرفته و مهندسین ایرانی تربیت‌یافته همراه با دیگر اقدامات پایه‌ای، چارچوب نسبتاً مستحکمی را برای ساخت‌وسازهای بعدی به وجود آورده بودند. اروپاییان به تمجید از تغییرات رخ داده در تبریز می‌پرداختند (Fowler, 1841, 76؛ کوتسیو، ۱۳۶۵، ۱۷۴؛ گروته، ۱۳۶۹، ۲۹۸). روشنفکران ایرانی نیز از وضعیت جدید بناهای ساخته‌شده مدرن در آذربایجان تعریف می‌کردند (نادر میرزا، ۱۳۶۰، ۶۷؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ۱۵۷). از جمله مهم‌ترین اقداماتی که در راستای تغییر اصول ساخت‌وساز در بناهای آذربایجان اتفاق افتاد به شرح زیر هستند: طراحی دقیق بر پایه نیازها، قبل از ساخت بنا و دقت در جزئیات ساخت (جهانگیرمیرزا، ۱۳۸۴، ۱۹۰؛ مهریار و همکاران، ۱۳۷۸، ۲۴۸)، مطالعه و تحلیل سایت قبل از احداث بنا با کاربری‌های جدید (بنتن، ۱۳۵۴، ۱۰۳)،

بناها با کاربری‌های جدید (دروویل، ۱۳۶۵، ۱۸۷) و نظارت بر ساخت با تکنیک‌های نوین توسط مهندسین غربی حاضر در دربار ولیعهد بود (بنتن، ۱۳۵۴، ۹۴؛ هدایت، ۱۳۸۰، ۵۱).

۳-۷. سیاستمداران قاجار و معماری نوین

عباس‌میرزا در کنار اعزام دانشجو به اروپا، و به خدمت‌گیری مشاوران و مهندسین خارجی در دربار خود و ایجاد اصلاحات بزرگ و کوچک، دستور به استفاده از شیوه‌های جدید برای اصلاح ساختمان‌ها با کاربری‌های قدیمی در سطح شهرهای بزرگ آذربایجان داد (جهانگیرمیرزا، ۱۳۸۴، ۹؛ زرگری‌نژاد، ۱۳۸۶، ۹۵). وی برای پیگیری ساخت بناها با اصول ساخت نوین، بازدید حضوری به عمل می‌آورد (بنتن، ۱۳۵۴، ۹۲؛ موریه، ۱۳۸۵، ۲۵۰). او با تقلید از شیوه‌ی زندگی غربیان، از مبلمان اروپایی (بورگر، ۱۳۸۰، ۲۸) و نقاشی‌های غربی در کاخ خود استفاده می‌نمود (کوتسیو، ۱۳۶۵، ۷۵). تغییرات رخ داده در شکل نما، پلان، مبلمان و محوطه اطراف کاخ‌های ولیعهد و سران حکومتی، به‌صورت ترکیب اصول معماری ایرانی و غربی بود (Fowler, 1841, 77).

پافشاری ولیعهد بر اصلاحات در عرصه نظامی و شهری، رضایت فتحعلی‌شاه را در اواخر دوره حکومتش در پی داشت (هدایت، ۱۳۸۰، ۵۱). درخواست رسمی شاه از دولت فرانسه و انگلیس برای حضور مهندسین این کشورها در تهران (جونز، ۱۳۸۶، ۲۱۹) تأییدی بر این ادعاست، علاقه‌مندی شاه به طراحی نقشه‌های غربی و دعوت از مهندسین اروپایی به تهران (بنتن، ۱۳۵۴، ۱۰۲؛ نفیسی، ۱۳۸۴، ۱۳۶)،

جدول ۲- برخی از بناهای ساخته‌شده با الگوبرداری از معماری اروپایی.

نام بنا و منبع تصویر	تصویر بنا	نام بنا و منبع تصویر	تصویر بنا
باز طراحی قلعه خوی، منبع اولیه (مهریار و دیگران، ۱۳۷۸: ۷۷).		باز طراحی قلعه نخجوان، منبع اولیه (Naxcavan ensiklopedyai, c 1, 2005, s7)	
باز طراحی قلعه اردبیل، منبع اولیه (مهریار و دیگران، ۱۳۷۸: ۱۲۴)		باز طراحی قلعه لنکران، منبع اولیه (مهریار و دیگران، ۱۳۷۸: ۲۴۹).	
قلعه اردبیل، فضاهای داخلی بجا مانده تا اوایل دوره پهلوی (از مجموعه عکس های علی خان والی)		سربازخانه نزدیک ارگ که بعدها به انبار اسلحه قورخانه و نجارخانه تبدیل شد (آرشو اسنادی کاخ گلستان)	

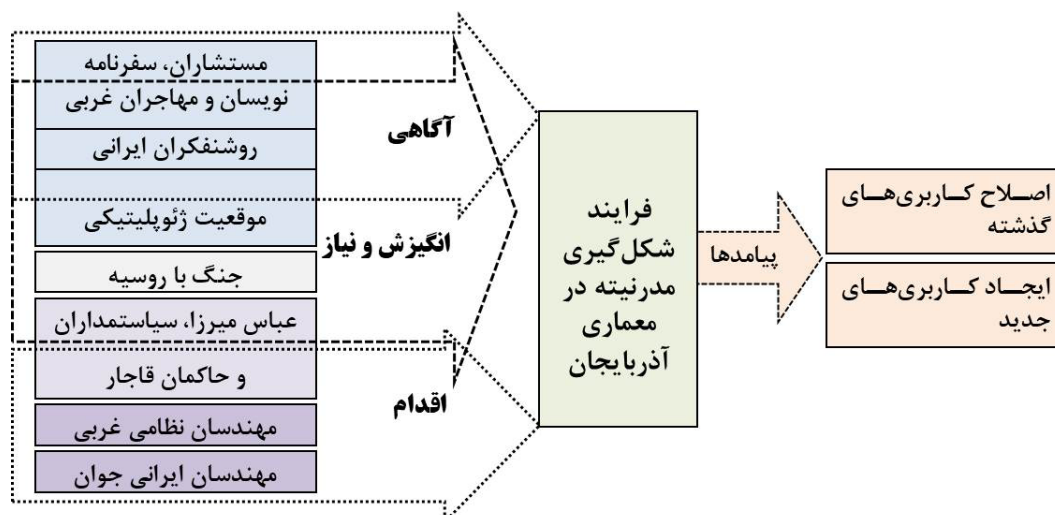
به‌کارگیری مصالح، سازه و تکنیک‌های ساخت‌وساز نوین (رضا قلی میرزا، ۱۳۶۴، ۳۷)، ترکیب نمای بومی با نمای غربی از طریق قوس‌ها و بازشوهای مشابه بناهای اروپایی (دنبلی، ۱۳۵۱، ۱۳۸)، استفاده از

آرایه‌های معماری غربی در آنها (بانی مسعود، ۱۳۸۸، ۱۶۸) و استفاده از مبلمان غربی در داخل ساختمان‌های درباری و مسکونی در تبریز و سایر شهرهای بزرگ آذربایجان (بورگر، ۱۳۸۰، ۲۸).

جدول ۳- فرایند مدرنیته و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن.

مفوله انتخاب شده از منابع اولیه		مؤلفه‌های محوری مدرنیته در معماری اوایل قاجار آذربایجان
عوامل زمینه‌ای در شکل‌گیری فرایند مدرنیته	عوامل زمینه‌ای در شکل‌گیری فرایند مدرنیته	جنگ ایران و روسیه مهم‌ترین عامل شناخت و آشنایی با معماری مدرن اروپایی
		موقعیت ژئوپلیتیکی خاص و مهاجرت از کشورهای همسایه به شمال غرب ایران
افراد تأثیرگذار بر شکل‌گیری فرایند مدرنیته	افراد تأثیرگذار بر شکل‌گیری فرایند مدرنیته	سیاستمداران و حاکمان قاجار: عباس میرزا به‌عنوان یک روشنفکر شخصیت تأثیرگذار همچنین فتحعلی‌شاه، و حاکمان محلی دیگر شهرها
		مستشاران، سفرنامه نویسان و مهاجران غربی: با توصیف کیفیت معماری و شهرسازی در شهرهای اروپایی و مشاوره دادن به ایرانیان
مراحل تجزیه و تحلیل داده‌های خام (به‌دست آمده از اسناد دست اول و دست دوم)	مراحل تجزیه و تحلیل داده‌های خام (به‌دست آمده از اسناد دست اول و دست دوم)	مهندسان نظامی غربی: با ساخت قلعه‌ها و سایر بناهای نظامی و غیر نظامی و آموزش دادن به ایرانیان
		تأثیر روشنفکران ایرانی و آگاهی بخشی در سفرنامه‌های خود، با توصیف از شهرهای غربی و استفاده از تجربیات خود.
پیامدهای مدرنیته در معماری آذربایجان	پیامدهای مدرنیته در معماری آذربایجان	مهندسان ایرانی جوان آموزش دیده در غرب با اصول معماری نوین و اقدام به ساخت و ساز
		ایجاد آگاهی توسط مهاجران، مشاوران و مهندسان غربی و سفرنامه‌نویسان ایرانی
پیامدهای مدرنیته در معماری آذربایجان	پیامدهای مدرنیته در معماری آذربایجان	پیدایش انگیزه برای استفاده از معماری نوین با نتیجه‌بخش بودن ساخت قلعه‌های نظامی نوین در آذربایجان و تغییرات شهری و معماری نوین رخ داده در قفقاز
		اقدام به تغییرات در بناها و زیرساخت‌های شهری براساس الگوهای جدید
پیامدهای مدرنیته در معماری آذربایجان	پیامدهای مدرنیته در معماری آذربایجان	ارائه اصول ساخت و کاربری‌هایی که قبلاً مشابه داشتند
		نوآوری در ایجاد کاربری‌ها و اصول ساخت

شکل ۳- مدل مفهومی فرایند مدرنیزاسیون در معماری آذربایجان



نتیجه

وروس و شکست‌های پی‌درپی و جدانشدن بخش‌های مهمی از کشور در مهروموم‌های اولیه قرن نوزده میلادی موجب ایجاد جنبش اصلاح‌طلبی در این منطقه و به تبع آن در پایتخت و کل ایران شد. روشنفکران

آذربایجان به‌عنوان یک منطقه ولیعهد نشین و نقطه آغازین ارتباط کشور با مناطق شمالی و غربی که شامل روسیه، عثمانی و در نهایت اروپا می‌شد در اوایل دوره قاجار اهمیت فراوانی داشت. جنگ‌های ایران

کوشش فراوان در جهت ساخت قلعه‌های مناسب نظامی و سکونت متناسب با شرایط روز و استفاده از الگوهای معماری اروپایی برای پاسخگویی به نیازهای جدید با کارکردهای نوین، زمینه‌های گسترده‌ای را برای ورود مدرنیته در معماری آذربایجان فراهم کرد. نقشه‌برداری سایت‌ها و بافت‌ها و استفاده از نقشه‌های دقیق که با متد روز ترسیم شده بودند برای ساخت بناها و بافت‌ها، استفاده از مصالح نو و سازه‌های جدید و غیربومی که منجر به ایجاد فرم‌ها و فضاهای جدید در معماری بناها و نماهای آنها شد. همچنین استفاده از میلان متناسب با فضاهای جدیدالتأسیس که پیش‌ازین در معماری ایران و آذربایجان کم‌تر دیده شده بود، همگی بخش از این فرایند نو شدن معماری و شهرسازی در آذربایجان بود. مجموعه این اتفاقات و روایت فرایند تحولات رخ داده در معماری و شهرسازی و چگونگی تغییر در روند تولید معماری در اوایل دوره قاجار در آذربایجان می‌تواند به‌عنوان روایتی جایگزین، یا دستکم به موازات نظریات رایج در بازگویی روایت فرایند مدرن‌سازی معماری معاصر ایران مطرح شود.

و منتقدین وضع موجود که در میان آنان افراد غیر ایرانی هم به‌وفور یافت می‌شد که اکثراً نظرات خود را در قالب سفرنامه به تحریر درآورده بودند، ضمن مقایسه شرایط ایران با اروپا، دائماً این موضوع را یادآور می‌شدند که این وضعیت نمی‌تواند تداوم یابد. این مقایسه شامل وضعیت معماری و شهرسازی و همچنین کاربری‌های جدیدی که در اروپا شکل گرفته بود (نظیر سینما، بانک، تئاتر، پاساژ و غیره) و در ایران وجود نداشت نیز می‌شد. عباس میرزا به‌عنوان ولیعهد و حاکم آذربایجان در این زمان، به‌خوبی متوجه گردید که با روش‌ها و ابزارهای کهن نمی‌توان در این رویارویی کاری از پیش برد. بنابراین و بنا به‌ضرورت، اصلاحات در زمینه‌های گوناگون را آغاز نمود که تا حد زیادی مورد تأیید فتحعلی‌شاه نیز واقع گردید. گرفتن مشاوری از سفرا و دیگر مستشاران خارجی حاضر در آذربایجان برای شناخت بهتر اشکالات و ضعف‌ها، اسکان و به‌کارگیری اروپاییان و دیگر افراد متخصص غیرایرانی در مشاغل نظامی و صنعتی، فرستادن افراد با استعداد برای تحصیل به اروپا جهت یادگیری علوم و فنون جدید، آموزش افراد مستعد در ایران توسط مستشاران خارجی بخشی از نرم‌افزارهای اصلاحی در این زمینه بودند در کنار این اقدامات،

پی‌نوشت‌ها

۱. من بعد بساط کهنه برچینید و طرح نو دراندازید به نقل از قائم‌مقام.
۲. ولیعهد عباس‌میرزا حاکم ایالت آذربایجان، علاوه بر مسئولیت جنگ و امور خارجه ایران، اقدامات زیادی در زمینه اصلاحات اساسی در ارتش، قوانین اجتماعی و اصول شهرسازی به انجام رسانید. از جمله این اقدامات اعزام چند گروه دانشجوی به اروپا، استخدام مهندسين خارجی در آذربایجان، اسکان مهاجران خارجی که در صنایع مختلف، دستور به اصلاحات امور موقوفات، مالیات، ساخت‌وساز و... (دنبلی ۱۳۵۱، ۱۳۸-۱۴۳).
3. Marx and Engels.
4. Weber.
5. Durkheim.
6. Edward Said and Orientalism.
7. Homi K. Bhabha and Hybridity.
8. Siva Kumar and alternative modernity.
9. Eisenstadt.
10. Vahid Vahdat.
11. "Occidental Perceotion of European Architecture in 19th century Persian Travel Diaries" (First published 2017).
۱۲. در دیوان انشاء دربار عباس‌میرزا در دارالسلطنه تبریز، حوادث داخلی و خارجی و اقدامات نوین در آذربایجان را از ابتدای حکومت فتحعلی‌شاه تا سال ۱۲۴۰ ه.ق به ثبت رسانیده است.
۱۳. مشتمل بر ۲۶ سال رویدادهای سیاسی مهم دوران سلطنت قاجار از ۱۲۴۰ تا ۱۲۶۷ ه.ق است.
۱۴. وی از نخستین دانش‌آموختگان در اروپا و ناشر اولین روزنامه در ایران بود که به دستور عباس‌میرزا برای تحصیل به انگلیس فرستاده شده بود. سفرنامه وی مشاهدات از شهرهای مهم اروپا از جمله پترزبورگ، پاریس، لندن و دوبلین را شرح می‌دهد.
۱۵. در سال ۱۲۰۸ هجری شمسی توصیفات از نظام شهری و معماری مسکو و پترزبورگ و تفلیس و دیگر شهرهای روسیه ارائه می‌دهد. میرزا تقی فراهانی (امیرکبیر) نیز سفر دیپلماتیک خسرومیرزا را همراهی می‌کرد.
۱۶. از اولین سفرنامه‌های ایرانیان به فرنگ بوده و در سال ۱۸۱۰ میلادی به انگلیسی و سپس به فارسی چاپ شده است، اشاراتی به معماری شهرهای انگلیس و فرانسه و عثمانی آن دوره دارد.
۱۷. مشاهدات و برداشتهای میرعبداللطیف شوشتری از انگلیسی‌های ساکن هندوستان در اوایل دوره‌ی قاجار است، که بیشتر به مسائل اجتماعی و سیاسی
- اشاره کرده و از آزادی قلم و مدارس جدید و دیگر دستاوردهای نوآموزشی در کشورهای اروپایی نمونه‌ها آورده است.
۱۸. به ترتیب شامل مشاهدات نمایندگان ایران از مؤسسات علمی، کارخانه‌ها، مراکز صنعتی، دارالعلم، دارالشفاء، مدرسه نظام، رصدخانه و دیگر تأسیسات شهری اجتماعی پترزبورگ روسیه و دومین سفرنامه تجربیات وی به‌عنوان سفیر ایران در لندن و تحت تأثیر پیشرفت‌های دنیای غرب است.
۱۹. از دیگر کتاب‌هایی که نویسنده ناظر عینی وقایع نبوده ولی آثار به‌جامانده از این دوران و اصلاحات رخ داده را ثبت کرده است؛ می‌توان به کتاب‌های تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز (۱۳۶۰) نوشته نادرمیرزا از نوادگان فتحعلی‌شاه در اواسط دوره قاجار و همچنین کتاب‌های مرآت‌البلدان اثر اعتمادالسلطنه (۱۳۶۷) در اواخر دوره قاجار، اشاره کرد. کتاب ردبیل درگذر تاریخ (صفری، ۱۳۷۱) و تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر (نفیسی، ۱۳۸۴) نیز منابع دست‌دومی هستند که اطلاعات خام و دست‌اول زیادی از بناها و اسناد دست‌نوشته این دوره تاریخی در اختیار قرار می‌دهند. همچنین مهریار و همکاران (۱۳۷۸) در کتاب اسناد تصویری شهرهای ایرانی دوره قاجار نقشه‌های ترسیم‌شده توسط هیئت نظامی انگلیسی، فرانسوی و روسی از شهرهای منطقه‌ی آذربایجان در اوایل قرن ۱۹ میلادی را ارائه نموده‌اند.
۲۰. ناپلئون در سه مرحله پس از عقد قرارداد فین کنشتاین (Fincken-stein) با روسیه در ابتدای ماه مه سال ۱۸۰۷ تا هفتم ژانویه این سال و عقد قرارداد تیلست (Tilsit)، به‌منظور مدرن‌سازی ارتش مشاوران نظامی فرانسوی را به ایران فرستاد.
۲۱. Pierre Amédée Emilien Probe Jaubert (fr): چاپ شده در سال ۱۸۲۱؛ از وضعیت دقیق اجتماعی و جغرافیایی آذربایجان و اصلاحات نوین ولیعهد، اطلاعات زیادی ارائه می‌کند.
۲۲. A. Bontence: افسر مهندسی فرانسوی که به طراحی بناهای نظامی و درباری و آموزش طراحی به جوانان در آذربایجان پرداخت.
۲۳. با هیئت ۲۴ نفر ژنرال گاردان به ایران آمده بود و بعداً به‌صورت خصوصی استخدام ارتش ایران شد.
۲۴. در سال ۱۲۲۶ ه.ق/ ۱۸۱۱ م. سفیر جدید انگلیس، گور اولزی (Gore Ouseley)، به همراه هیئتی ۳۰ نفر از افسران و معلمان نظامی به فرماندهی داری وارد کشور شد (رایت ۱۳۸۱، ۱۷). این هیئت، کارگاه‌های ساخت تسلیحات نظامی و کارخانه‌ی ریخته‌گری در تبریز ایجاد کردند و به آموزش

ایرانیان پرداختند (همان ۷۴-۷۵) پس از آن نیز در سال ۱۲۲۸ م/ق ۱۸۱۳ م، یک گروه ۲۵ نفر از افسران انگلیسی وارد تبریز شدند (همان، ۷۲). هیئت‌های انگلیسی اغلب در زمینه نظامی به آموزش افراد سپاه ایران و نقشه‌برداری و اکتشافات جغرافیایی و ساخت تجهیزات نظامی مثل توپ می‌پرداختند.

۲۵. موریه در سال ۱۸۰۸ به عنوان منشی سفیر (هارفورد جونز)، به ایران آمد و تا سال ۱۸۱۶ به پست‌های مختلفی حتی وزیرمختاری بریتانیا در ایران دست‌یافت. سفرنامه دوم جیمز موریه اطلاعات زیادی درباره اقدامات نوین عباس میرزا و دولت ایران در عرصه ارتش و قلعه سازی و شهرسازی و معماری ارائه می‌دهد.

26. Moritz von Kotzebue.

۲۷. از دیگر منابع مهم در این رابطه، مطالب منتشر شده در روزنامه لندن در سال ۱۸۲۳ است، که عباس میرزا از نخبگان و صنعت‌کاران غربی، برای سکونت در ایران دعوت می‌کند تا شهرهای جدید به سبک اروپایی و با همکاری ایرانیان احداث کنند. پاسخ اروپاییان و ویژگی شهرهای مدرنی که مهاجران اروپایی خواستار ساخت آن در ایران بودند، در کتاب *تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر* نوشته سعید نفیسی برای اولین بار منتشر شده است.

28. Barthelemy Semino, Fabvier.

فهرست منابع

- اتحادیه، منصوره؛ میر محمدصادق، سعید (۱۳۷۵)، *ژنرال سمینو در خدمت ایران عصر قاجار*، تهران: تاریخ ایران.
- ادیب‌الممالک، عبدالعلی (۱۳۴۹)، *دافع‌الغرور*، به کوشش ایرج افشار، تهران: خوارزمی.
- اصفهانی، عبدالرحیم ابوطالب (۱۳۵۲)، *مسیر طالبی: سفرنامه میرزا ابوطالب اصفهانی*، به کوشش حسین خدیو جم، تهران: شرکت کتاب‌های جیبی فرانکلین.
- اعتضادالسلطنه، علیقلی میرزا (۱۳۷۰)، *اکسیرالتواریخ: (تاریخ قاجاریه از آغاز تا ۱۲۵۹ م.ق)*، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران: ویسمن.
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان (۱۳۶۷)، *مرآت‌البلدان*، تصحیح عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران: دانشگاه تهران.
- افشار، مصطفی (۱۳۴۹)، *سفرنامه خسرومیرزا به پطرزبورگ*، به کوشش محمد گلبن و مسعود انصاری، تهران: کتابخانه مستوفی.
- ایلچی شیرازی، ابوالحسن خان (۱۳۶۴)، *حیرت‌نامه: سفرنامه ابوالحسن خان ایلچی به لندن*، به کوشش حسن مرسل وند، تهران: پارسا.
- بانی‌مسعود، امیر (۱۳۸۸)، *معماری معاصر ایران: در تکاپوی بین سنت و مدرنیته*، تهران: هنر معماری قرن.
- باور، سیروس (۱۳۸۹)، *نگاهی به پیدایی معماری نو در ایران*، تهران: فضا.
- بنتان، آگوست (۱۳۵۴)، *سفرنامه آگوست بنتان*، ترجمه منصوره اتحادیه، تهران: سپهر.
- بورگر، آندراس والد (۱۳۸۰)، *مبلغان آلمانی در ایران*، مترجمان: علی رحمانی، حسین رضوی، لادن مختاری، چاپ دوم، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- پوپ، آرتور ایهام (۱۳۸۲)، *معماری ایران*، ترجمه غلامحسین صدری افشاری، تهران: اختران.
- پیرنیا، محمدکریم؛ معماریان، غلامحسین (۱۳۸۹)، *سبک‌شناسی معماری ایرانی*، چاپ هشتم، تهران: پژوهنده.
- پیه مونه، آنجلو میکله (۱۳۶۸)، *افسران ایتالیایی در خدمت ایران در عهد قاجار*، تهران: مجله تحقیقات تاریخی، (۳)۱.
- تاج‌بخش، حسن (۱۳۷۵)، *تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران* جلد دوم، تهران: سازمان دامپزشکی کشور با همکاری دانشگاه تهران.
- تازیکه لمسکی، ایمان؛ قبادیان، وحید و سلطان‌زاده، حسین (۱۳۹۵)، *نمایش تبادلات معماری و شهرسازی ایران و غرب در سفرنامه‌های ایرانیان به فرنگ در دوره قاجار*، فصلنامه مدیریت شهری، (۴۴)، ۵۱۹-۵۳۵.
- جونز، سرهارفورد (۱۳۸۶)، *روزنامه سفر خاطرات هیئت اعزامی انگلستان به*

- ایران*، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران: ثالث.
- جهانبگلو، رامین (۱۳۷۴)، *مدرنیته از مفهوم تا واقعیت*، فصلنامه گفتگو، شماره ۱۰، صص ۴۹-۵۶.
- جهانگیر میرزا (۱۳۸۴)، *تاریخ نو (حوادث دوره قاجار از سال ۱۲۴۰ تا ۱۲۶۷ قمری)*، به اهتمام عباس اقبال آشتیانی، تهران: علم.
- حائری، عبدالهادی (۱۳۸۰)، *نخستین رویارویی‌های اندیشه گران ایران با دو رویه تمدن غرب*، تهران: امیر کبیر.
- حبیبی، محسن (۱۳۷۳)، *نخستین پژواک مدرنیته در ایران*، فصلنامه گفتگو، شماره ۳، صص ۱۲۸-۱۵۲.
- حبیبی، محسن؛ اهری، زهرا (۱۳۸۷)، *لاله‌زار - عرصه تفر، از باغ تاخت‌یابان*، دانشگاه تهران، *نشریه هنرهای زیبا*، شماره ۳۴، صص ۶-۱۴.
- حسینی، سجاد؛ کبیرصابر، محمدباقر (۱۳۹۵)، *جنگ‌های ایران و روس و نفوذ معماری دفاعی اروپایی در ایران*، مطالعه موردی: قلاع کوردشت و عباس‌آباد ارس، دانشگاه تبریز: *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، (۱۲)۷، صص ۱۱۳-۱۴۲.
- حقیر، سعید؛ صلواتی، کامیار (۱۳۹۹)، *تمجیدهای ایرانیان از معماری فرنگ و رابطه‌ی آن با انتقادهای آنان از معماری ایران در اواخر دوران قاجار*، *بانگ نظر*، (۸۳)۱۷، صص ۵-۱۴.
- حقیر، سعید؛ کامل‌نیا، حامد (۱۳۹۹)، *نظریه مدرنیته در معماری ایران*، تهران: دانشگاه تهران.
- دروویل، گاسپار (۱۳۶۵)، *سفر در ایران ۱۸۱۲ تا ۱۸۱۳*، ترجمه منوچهر اعتماد مقدم، تهران: شبلیز.
- دنبلی، عبدالرزاق (۱۳۵۱)، *مآثر سلطانی: تاریخ جنگ‌های اول ایران و روس*، به کوشش غلامحسین صدری افشار، چاپ دوم، تهران: ابن‌سینا.
- دیولافوا، ژان (۱۳۶۹)، *سفرنامه مادام دیولافوا*، ترجمه فره‌وشی، تهران: کتاب‌فروشی خیام.
- رایت، دنیس (۱۳۸۱)، *انگلیسی‌ها در میان ایرانیان*، ترجمه خسرو پورخسرو، شیراز: هفت‌اورنگ.
- رضاقلی میرزا قاجار (۱۳۴۶)، *سفرنامه رضا قلی میرزا*، تصحیح: اصغر فرمانفرمایی قاجار، تهران: دانشگاه تهران.
- ریاحی، محمدامین (۱۳۷۲)، *تاریخ خوی*، تهران: توس.
- ریاضی، ابوالحسن (۱۳۸۹)، *تأثیر تجدد بر سازمان فضای شهر تهران*، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، پاییز، (۱)۱۳، صص ۱۲۹-۱۴۸.
- زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۸۶)، *عباس میرزا، نخستین معمار (بنای نظام جدید) در ایران معاصر*، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، (۵)۵۸، صص ۷۹-۱۱۲.
- ژوبر، پیر آمده امیلیل پروپ (۱۳۴۷)، *مسافرت به ارمنستان و ایران*، ترجمه محمود مصاحب، تهران: علمی فرهنگی.
- سایکس، سرپرسی (۱۳۷۰)، *تاریخ ایران*، جلد ۲، ترجمه سید محمدتقی فخرداعی گیلانی، تهران: دنیای کتاب.
- سرمه، غلامعلی (۱۳۷۲)، *اعزام محصل به خارج از کشور در دوره‌ی قاجاریه*، تهران: بنیاد.
- شوشتری، عبداللطیف (۱۳۶۳)، *تحفه‌العالم و ذیل‌التحفه*، با مقدمه و تصحیح صمد موحد، تهران: طهوری.
- شیرازی، میرزا صالح (۱۳۶۴)، *سفرنامه میرزا صالح شیرازی*، به اهتمام و مقدمه اسماعیل رائین، تهران: روزن.
- صارمی، علی‌اکبر (۱۳۷۴)، *مدرنیته و رهاوردهای آن در معماری و شهرسازی ایران*، فصلنامه گفتگو، شماره ۱۰، صص ۵۷-۷۰.
- صفری، بابا (۱۳۷۱)، *اردبیل در گذر تاریخ*، چاپ دوم، اردبیل: دانشگاه آزاد اسلامی اردبیل.
- طباطبایی، سید جواد (۱۳۸۶)، *تأملی درباره ایران: بخش نخست از جلد دوم مکتب تبریز و مبانی تجدد*، چاپ دوم، تبریز: ستوده.
- عاملی، سید سعیدرضا (۱۳۹۲)، *بازنمایی عناصر هویت‌بخش شهری در سفرنامه‌ها*، فصلنامه علمی *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، (۴)، صص ۷۵-۱۰۰.

مهریار، محمد؛ فتح‌الله‌یف، شامیل؛ فخاری تهرانی، فرهاد؛ قدیری، فرهاد (۱۳۷۸)، *اسناد تصویری شهرهای ایرانی دوره قاجار*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

نادر میرزا (۱۳۶۰)، *تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز*، با مقدمه و شرح و تعلیقات و تنظیم فهرست لازم از محمد مشیری، چاپ سوم، تهران: اقبال. نفیسی، سعید (۱۳۸۴)، *تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر*، چاپ اول، تهران: اهورا.

ولایی، مهدی (۱۳۴۴)، شرح حال نواب تولیت عظمای آستان قدس رضوی، مجله نامه آستان قدس، شماره ۲۱ مردادماه.

هدایت، رضاقلی‌خان (۱۳۸۰)، *تاریخ روضه‌الصفای ناصری*، جلد نهم، به تصحیح و تحشیه جمشید کیانفر، تهران: اساطیر.

یونیر، ژان (۱۳۶۸)، *دلاوران گمنام ایران در جنگ با روسیه تزاری*، مترجم: ذبیح‌الله منصوری، چاپ سوم، چاپخانه ارژنگ.

Durkheim E (1973) *On Morality and Society*, Selected Writings. Chicago, IL: The University of Chicago Press.

Porter, Robert Ker (1822), *Travels in Georgia, Persia, Armenia, ancient Babylonia, &c. during the years 1817, 1818, 1819, and 1820*, London: Longman, Hurst, Rees, Orme and Brown.

Fowler, George (1841), *Three years in Persia; with travelling adventures in Koordistan Year 1841*, Publisher London: H. Colburn.

Vahdat, Vahid (2017), *Occidental Perceotion of European Architecture in 19th century Persian Travel Diaries*, New York: Routledge.

Said, Edward (1978), *Orientalism*. New York: Pantheon.

Eisenstadt, S. N. (2000), Multiple Modernities, *Daedalus*, 120(1): 1-29.

Marx, Karl; Engels, Friedrich (1972), *"The Marx-Engels reader"*. Edited by Robert C. Tucker. New York: Norton.

Naxçıvan ensiklopedyası. (2005), Naxçıvan: Azərbaycan milli elmlər akademiyasının Naxçıvan bölməsi.

Weber, Max (2004), *The essential Weber, A reader*, Edited by Sam Whimster, London: New York: Routledge.

Url: www.google.com/maps

علوی شیرازی، محمدهادی (۱۳۶۳)، *دلیل‌السفر-سفرنامه میرزا ابوالحسن خان شیرازی (یلچی) به روسیه*، به کوشش محمد گلبن، تهران: دنیای کتاب. عمرانی، بهروز؛ اسمعیلی، حسین (۱۳۸۵)، *بافت تاریخی شهر تبریز*، تهران: سمیرا.

قبادیان، وحید (۱۳۸۳)، *معماری در دارالخلافت‌های ناصری: سنت و تجدد در معماری معاصر تهران*، تهران: پشتون.

کریمیان علی (۱۳۸۵)، میرزا جعفر مهندس باشی (از پیشگامان مهندسی نوین در ایران) مشیرالدوله، گنجینه/اسناد، سازمان اسناد ملی، شماره ۶۳، صص ۷۳-۹۹.

کسرابی، محمدسالار (۱۳۷۹)، *چالش سنت و مدرنیته در ایران/زمین‌رویه تا ۱۳۲۰*، تهران: مرکز.

کوتسبو، موریتس فون (۱۳۶۵)، *مسافرت به ایران دوران فتح‌علی‌شاه قاجار ۱۸۱۷ میلادی*، ترجمه محمود هدایت، تهران: جاویدان.

کیانی، مصطفی (۱۳۹۳)، *معماری دوره پهلوی اول: دگرگونی اندیشه‌ها، پیدایش و شکل‌گیری معماری دوره بیست‌ساله معاصر در ایران ۱۲۹۹-۱۳۲۰*، چاپ سوم، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر.

گاردان، کنت آلفردو (۱۳۶۲)، *مأثوریت ژنرال گاردان در ایران*، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، چاپ دوم، تهران: نگاه.

گدار، آندره (۱۳۷۷)، *هنر ایران*، ترجمه بهروز حبیبی، چاپ سوم، تهران: دانشگاه شهیر بهشتی.

گروته، هوگو (۱۳۶۹)، *سفرنامه گروته*، ترجمه مجید جلیوند، تهران: مرکز. لاچینی، ابوالقاسم (۱۳۲۰)، *احوال و دست‌خط‌های عباس میرزا قاجار نایب‌السلطنه و تاریخچه مختصری از جنگ‌های ایران با دول روسیه و عثمانی*، چاپ دوم، تهران: افشاری.

مارکام، کلمنت (۱۳۶۷)، *تاریخ ایران در دوره قاجار*، ترجمه میرزا رحیم فرزانه، ایرج افشار، چاپ دوم، تهران: آسمان.

محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۷۰)، *تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران*، جلد ۱، تهران: دانشگاه تهران.

مختاری، اسکندر (۱۳۹۰)، *میراث معماری مدرن ایران*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

موریه، جیمز (۱۳۸۵)، *سفرنامه جیمز موریه سفر دوم ایران/ارمنستان و آسیای کوچک (۱۸۱۰ و ۱۸۱۶ م) تا قسطنطنیه*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.

مهدوی‌نژاد، محمدجواد؛ بمانیان، محمدرضا و خاکساری، ندا (۱۳۸۹)، *هویت معماری، تبیین معنای هویت در دوره‌های پیشامدرن، مدرن و فرامدرن*، هویت شهر، شماره ۷، صص ۱۱۳-۱۲۲.

Affecting Factors in the Architectural Transformation of the Early Qajar in Azerbaijan; Reinterpretation of the Process of Modernity in Iranian Architecture

Mohammad Hasan Khademzade¹, Mohammad Sheykhi Eilanlou²

¹Assistant Professor, Department of Architecture, School of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran.

²Master of Iranian Architectural Studies, Department of Architecture, School of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran, Iran.

(Received: 16 Jul 2022, Accepted: 26 Feb 2023)

Multiplicative and deep narratives in the process of modernization in Iranian architecture lead to understanding the formation of these changes in more realistic ways. Because most of the traditionalist narratives that want to return to the origins of Iranian architecture, have focused their criticism on the imported and Westernized narrative of architecture in the Naser al-Din Shah's period, and according to this simplification, they also put a simplistic view against it. This paper is important in several aspects: first, through a critical look at existing narratives, it aims to present a new conceptual model in the formation of modernization in Iranian architecture. Second, by investigating the effective components of this process, it seeks to attain an explanation of how they affect it. According to the preliminary findings as a hypothesis of the research, the vast and fundamental changes that took place in the architecture of Azerbaijan in the early Qajar period (19th century) can be considered in line with the process of the formation of modernity in the architecture of Iran. The key question of this article about understandings whether it is possible to consider the formation of modern concepts in Iranian architecture, according to the need and during a conscious process, belonging to the early Qajar in Azerbaijan? The paper was carried out by a historical-interpretive research method and a process approach to collect historical and theoretical bases. To identify and investigate the influencing factors on the process of modernization in Azerbaijan's architecture, Iranian and European first-hand sources such as travelogues and diaries were examined. By analyzing the data, maps, and visual information (as second-hand sources), which have a complementary aspect to the work, an attempt has been made to achieve a relatively comprehensive understanding of this process. A conceptual model of the process of modernization in Azerbaijan's architecture is available by knowing the affective factors in the formation of architectural and urbanization characteristics in modern buildings. As a result, the evidence shows that the changes that occurred in the early Qajar architecture of Azerbaijan are an alter-

native narration parallel to the classical ideas in Iranian contemporary architecture. This process was formed not in Tehran (in the late 19th century), but in Azerbaijan influenced by various factors. The process started with the recognition of modern changes in European architecture. The next stage started with the formation of the necessity of these changes in Iran. Finally, these changes have been implemented in the architecture and town planning principles. The process of modernization in the architecture of Azerbaijan is influenced by contextual factors (Iran-Russian war, Azerbaijan's geopolitical position), and affective persons (Abbas Mirza, Fath-Ali Shah, European consultants, and Iranian intellectuals). Also, the consequences of this process have been introduced in two general parts: corrections of the defects of past buildings and the creation of buildings with new required uses. The modernization formed in the architecture of Azerbaijan could have been transferred to other parts of Iran, during the reigns of the subsequent Qajar kings; which require more and more detailed research.

Keywords

Modernity, Iranian Architecture, Early Qajar, Architecture of Azerbaijan, Iranian intellectuals